

AR-302

B.A. (Part—II) Examination
PERSIAN (Literature)
(Optional Subject)

Time : Three Hours]

[Maximum Marks : 100

- یادداشت: — ۱- همه پرشس ہالازمند۔
۲- پاشخ ہابزبان فارسی یا اردو یا انگلیسی بنویسید۔

- سوال نمبر ۱۔ (A) اقتباسات زیر را شرح بدہید۔ (تیچ دو) 15
(الف) قصہ پردہ ہاہم مخرون بود۔ یکجا دختری گیسوان بباد داده،
فریادکنان بطرف دریائی دودیتا قایق معشوق را از دست طوفان بگیرد جای
دیگر خانہ ای بود در کنار جنگل کہ پیش چشم خانوادہ می سوخت۔ یک تصویر ہم
از دختری بود کہ اشک خود را در آئینہ تماشا می کرد۔ ہر دفعہ کہ در پای پردہ ای
میاستادم۔ استاد نقاش در ضمن این کہ بکار خود مشغول بود روی چہار پایہ
بخودی پیچید و زیر لب می گفت۔ ”نا تمام است“ یامی گفت ”ہنوز خیلی
کار دارد۔“ می گشتم تا پھر دہ تاریکی رسیدم۔

(ب) موزه بزرگی بود پوشیده از نقاشی و آلات شکار - با طراف
نگران و سرگردان بودم - استاد گفت از این گوشه بگیر و براست حرکت کن
تا من برایت تعریف کنم - در اینجا عصر حجر است یعنی زمانی که انسان بجز
سنگ و چوب وسیله ای برای شکار نداشته - این آدم وحشی را با دستهای دراز و
گردن کلفت کوتاه و بدن پشم آلوده بین که یک مثل خودی را بضر ب سنگ
شکار کرده با ناخن و دندان پاره می کند و می خورد مادر و بچه ها از غار بیرون ریخته
اند و با داد و بیداد سهم خود را می خواهند -

(ج) آتشب رانه از وقائع روز گفتم نه از سیاست صحبت کردیم و
نه از بدیهای خیالی و واقعی، صورتهای محوش ساختم - گل گفتم و گل شنیدیم و
مست شعر و آواز شدیم - گفت این دختر من عاشق شماست آرزو داشت
شماره بپند - اگر این آرزو نبود و دختر شما تمنای دیداری کردم اتمامی ترسیدم
تمنای من آلوده بغرض یعنی آرزوی دخترم باشد تا اینکه راستی بیش از این
نتوانستم صبر کنم - چند کلمه با دخترک حروف زدم و از مدرسه و درس پرسیدم -

(B) خلاصه، یکی از حکایت های زیر را بنویسید - 10

(۱) حکایت فرخی

(۲) حکایت اسکافی

(۳) حکایت ملک منصور و زکریا رازی

سوال نمبر ۲۔ (A) بیت ہای زیر را توضیح بدہید۔ (پانچ پنج)

(۱) نہ مہر دوست خواہم نہ کین دشمنانرا

یک جور دوست دارم بے مہر و مہربانرا

(۲) مقربان ہمہ بیگانہ اند بر در دوست

غرور بود کہ نامش با شنای رفت

(۳) ہرگز مگو کہ کعبہ زبت خانہ خوشتر است

ہر جا کہ ہست جلوہ جانانہ خوشتر است

(۴) اے دل مجو نجات کہ صیاد پیشگان

در دام می کشند گرفتار خویش را

(۵) از کف نمی دہد دل آسان رہودہ را

دیدم زور بازوی نا آزمودہ را

(۶) غم می کشد عنانم من ہم شتاب دارم

از من سلام بگویند یا ران و دوستان را

(۷) من در پی رہائی داو ہر دم از فریب

بر سر گرہ زندہ گرہ نا کشودہ را

(۸) ترسم کہ رفتہ رفتہ بہ بیدارخوئی

بر کین مدار طبع سستگار خویش را

15

(B) دوازاقتباس ہاے زیر اثر ترجمہ بکنید۔

(۱) نگار خویش را گفتم نگار

نیم من در فنون عشق جاہل

ولیکن اوستادان مجرب

چنین گفتند در کتب او اہل

کہ عاشق طعم وصل آنگاہ دانند

کہ عاجز گرد دوازا ہجران عاجل

بدین زودی نہ آستم کہ مارا

سفر باشد بعاہل یا باہل

(۲) چو شد روز رستم پوشید گبر

نگہبان تن کرد بر گریہ

کنندی بہ فتراک زین بر بیست

بر آن بارہ پیل پیکر نشست

بیابد چنان تالاب ہیر مند

ہمہ دل پراز بادولب پرز پند

گذشت از لب رود و بالا گرفت
ہی ماند از کار گیتی شگفت

(۳) پایندہ باش ز ارب بد بخت رنجبر
اے آنکہ زندگانی مادر بقای تست
بد بخت خواند مت بخطا عذر من پذیر
خوش بخت زیر سایہ ہچون ہمای تست
در زو خلق اگر چہ گدای و بے نوا
در چشم من تو شاہی و سلطان گدای تست
یک دانہ زیر دست تو صد دانہ می شود
ہر شاخہ ای کہ روید از آن از دعای تست

- سوال نمبر ۳۔ (الف) خصوصیات سبک ہندی یا سبک دور باز گشت را تحریر یکنید۔ 10
(ب) احوال و آثار سخن سراے کسی را بیان یکنید۔ 10

۱۔ بیدل دہلوی

۲۔ ابوطالب کلیم

۳۔ مشتاق اصفہانی

۴۔ غالب دہلوی

سوال نمبر ۴۔ (A) یکی از اقتباس های زیر را ترجمه کنید۔ 10

(۱) روزی در اثنای تماشاے کتابخانه آن شش هفت جلد کتاب تاریخ نادری بصورت های مختلف خطی و مطبوع دیده تعجب نمودم که در یک کتابخانه این نسخ متعدد از یک کتاب که در چندین شهر مانند طهران، تبریز، بمبئی و جاهاے دیگر طبع شده چه معنی خواهد داشت۔ سبب آنرا از خودش پرسیده گفتم، این همی کتاب تاریخ نادری را چرا در این جا جمع کرده اید گفت: از پدر بیا دگار است مرحوم چندان میل باین کتاب داشت که همه فهمیده بودند این است که هر کس نسخه خوبی از کتاب مذکور خطی یا مطبوع بدستش می افتاد نزد پدر مرحوم آورده بقیمت خوب بایشان می فروخت، حتی چند جلد دیگر را وقف کرده بود از این جا برده اند۔

(۲) و چون از عتبه خلافت باز گشتم و شب درآمد به خواب دیدم که همان مسند بر مقامی بس رفیع بود و من بر آن نشسته و همان خلعت پوشیده۔ اما از تنهایی خوف و وحشی تمام داشتم۔ ناگاه شخصی به شکل زشت و لقای کریمه و بوی بد پیدا شده نزدیک من به نشست چنانچه از رائحه منکر او متوهم گشتم که هلاک شوم و متعاقب دیگری به صد کراهِت و در دانت آن پدید آمد، و بر همان مسند قرار گرفت و هم چنین از عقب یک دیگر مردم عفریت منظر هر یک از دیگری قبیح می آدم می نشستند تا جای بر من مضیق شده۔ نزدیک به آن رسید که از مسند گُلون سار گردم و از روانج ناخوش ایشان روح از بدن

من مفارقت کند۔ از غایت اضطراب بیدار گشتم و خدای را شکر با کردم و
بامداد تصدق بانمودم و این حال بایچہ نہ گفتہم۔

(B) جاہای خالی را پر کنید۔ 10

۱۔ نویسندهٔ ہفت اقلیم..... است۔

(ذبح اللہ صفا، امین احمد رازی، علی اکبر دہخدا)

۲۔..... مؤلف احسن التواریخ است۔

(حسن بیگ روملو، ابوالفضل، جہانگیر)

۳۔..... یکی از منظومہ ہای فیضی فیاضی است۔

(شیرین و خسرو، نل و دمن، اسکندرنامہ)

۴۔ شعراء افسانہ و داستان سہرائی را شیوہ..... پسندیدند۔

(فردوسی، رودکی، نظامی)

۵۔ در سبک ہندی..... بیش از ہر نوع شعر دیگر معمول بود۔

(قصیدہ، مثنوی، غزل)

۶۔ شیخ علی حزین بسال..... وفات یافت

(۱۱۸۰، ۱۲۸۰، ۱۳۸۰)

۷۔..... ملک الشعراء دربار جہانگیری بود۔

(طالب آمل، کلیم، نظیری)

- ۸- از لهجات قدیم ایران است۔
 (لهجه آذری، لهجه تهرانی، لهجه پهلوی)
 ۹- شعر فارسی در..... از حیث الفاظ و کلمات چندان قابل توجه نیست۔
 (عہد تیموریان، عہد صفویان، عہد سلجوقیان)
 ۱۰- حبیب السیر تالیف..... است۔
 (غیاث الدین خواند میر، اسکندر بیگ، مولانا دریس بتلیسی)

سوال نمبر ۵۔ ضائع ادبی زیر را تعریف کنید۔ (بیچ چہار)

10

- ۱- مبالغہ
- ۲- تضاد
- ۳- ادا مانج
- ۴- تشبیہ
- ۵- استعارہ
- ۶- تلمیح
- ۷- حسن تعلیل
- ۸- لف و نشر مرتب

☆☆☆☆☆